

نوروز خجسته باد!

# راه

۴۰ صفحه

# توده

نوروز دوم شماره ۵۸ فروردین ماه ۱۳۷۶

## شورای جدید مصلحت نظام

\* نتایج واقعی انتخابات دوره پنجم مجلس، توازن جدید نیروها را به شورای مصلحت تحمیل کرده است!

### چرا و با کدام هدف تشکیل شد؟ (ص ۴۰)

\* نمایندگان چهار جناح ("چپ مذهبی"، "کارگزاران"، "موتلفه-روحانیت مبارز" و "ارزش‌ها") در شورای جدید عضویت دارند و مسئولیت شورا در حد مستشاری عالی رهبری اعلام شده است!

## نسل نوین ایران

### به تحولات هویت می بخشد!

«... من، شما و خانواده ام و جامعه را محاکمه می کنم. حاج آقا! قبل از اینکه خواهر و برادرم را بکشیم، جامعه مرا کشته بود. جامعه جوان ها را کشته است. این جامعه رباکار، این پدر پول پرست مرا کشتند. پدر خودم هم حاجی است. توی بازار کار می کند. اول انقلاب رنگ فروش بود، حالا پولش از پارو بالا می رود. به ما می گفت برای خدا نماز می خواند و کار می کند. دروغ می گفت، همه دروغ می گویند. همه این نماز خواندن ها برای پول است. اینها بود که از من یک قاتل ساخت...»

این چند خط، بعنوان آخرین دفاع "سمیه"، دختر ۱۶ ساله ای که خواهر و برادرش را کشته، در تهران دست به دست می شود. هر دختر مدرسه ای این چند خط را در گوشه یکی از کتابچه هایش پاک نویس کرده...! این کلمات از درون دادگاه غیر علنی "سمیه" به بیرون راه یافته است. حکم او از نظر حجت الاسلامی که بر صندلی قضاوت نشسته بود، اعدام است، اما "سمیه" کودکی را هم در شکم دارد. او را همراه کودک و معشوقه اش خواهند کشت؟ در هر دبیرستان دخترانه ای امروز این بزرگ ترین سوال است. دختر بچه ای که حالا هم مادر است و هم قاتل، وقتی درباره جامعه و پدرش حرف می زد، بغضش ترکید و مثل بسیاری از دختر بچه های هم سن و سال خود گریست. آخرین دفاع این قربانی کم سن و سال جامعه ای که طاعون بازار به جانش افتاده، نه ترحم، نه تفکر و نه تاملی را در حجت الاسلامی که به قصاص می اندیشید برناتگبخت، اما در همان چند خبرنگار تازه کار و بهت زده ای که گوشه دادگاه نشسته بودند، چرا!! اشک در چشم های آنها نیز جمع شده بود!

... "سمیه" چادر سباهی را که در زندان زیر آن پنهانش کرده اند، روی صورتش کشید و حق حق کنان روی صندلی افتاد...

رئیس دادگاه آبه ای از قرآن را زیر لب زمزمه کرد و سپس شاهرخ را برای آخرین دفاع دعوت کرد. او با اشاره به حامله بودن "سمیه"، پرسید: «شما با هم زناشویی داشته اید؟...»

شاهرخ که پشاپش و درهمزدی با "سمیه" گریسته بود، اشک هایش را پاک کرد و آهسته گفت: «بله حاج آقا، اما به چه درد می خورد؟ باید معرفت داشت، شما نباید که ما را اینطور مردمی کرده اید...» پاسدار متکرات که بین سمیه و شاهرخ روی صندلی لم داده بود، از جایش پرید و چنان با مشت بر سر شاهرخ کوبید، که از زبانش لای دندانهایش ماند و خون دردهان روی صندلی ولو شد!

دادگاه غیر علنی "سمیه" و "شاهرخ"، در هر محفل و مجلس و کلاس درسی علنی شده است. این گوشه ای از شیخ خوقنکی است که بر سر ۲۰ میلیون جوان ایرانی سایه افکنده است. شیخ بی هویتی! شیخ ماندن در پشت درهای بسته، شیخ بهکاری، مواد مخدر، سیاست گریزی، بی اعتمادی...

یک نشریه گمنام به نام "قرن ۲۱"، عکس های بزرگ شاهرخ و سمیه را در صفحه نخست خود چاپ کرد. عبور از این مرز ممنوعه مطبوعاتی، تیراژ "قرن ۲۱" را در عرض چند روز به ۲۵۰ هزار نسخه در تهران رساند و تمام نسخه های آن نایاب شد. خواستند این شماره را تجدید چاپ کنند، اما هم شماره های تجدید چاپ شده توقیف شد و هم نشریه "قرن ۲۱" برای همیشه!

جامعه توفانی و به ظاهر آرام نسل جوان، در پدیده های ناگهانی خود را نشان می دهد. اعضای این جامعه ۴۰ میلیونی در سال های بعد از پیروزی انقلاب بهمین ۵۷ بدنی آمده اند و در سال های جنگ، رشد فساد و تبهکاری، ترویج و تشویق بی آرمانی، ترویج پول پرستی، شیوع طاعون "بازار" و دغاکاری حکومتی، قد کشیده اند. آنها حضور خود را در عرصه های گوناگون به نمایش می گذارند. فریاد اعتراض گرچه در رویدادهایی کم و بیش مشابه سرنوشت "سمیه" و "شاهرخ" نیز خود را نشان می دهد، اما فریادی که در دانشگاه ها طنین انداخته نیز همین فریاد است. این نسل می رود، تا مهر خود را بر پیشانی آینده ایران بزند. در میان آن سه هزار منتگری که برای اعتراض به دستمزد کم، گرانی، بی سرپناهی و بی اعتنائی حکومت به قرار داد دسته جمعی کار، خود را به مقابل ساختمان شرکت نفت رسانده بود، صدها نفرشان از همین نسل بودند! (بقیه در ص ۲)

### نظرات نورالدین کیانوری پیرامون فروپاشی نادانی گربا چف خیانت یلتسین

(ص ۱۰)

### برخی دیدگاه های محافل توده ای تظاهرات نفتگران بزرگ ترین رویداد بود

(ص ۲۱)

### روز جهانی زن سرود نا تمام

(ص ۳۱)

### مصاحبه ۳ نامزد ریاست جمهوری پیمان، سحابی، یزدی

(ص ۳۲)

### سرمایه داری با مبارزه انقلابی فرو می پاشد

(ص ۱۱-۹)

### سرمایه داری با مبارزه انقلابی فرو می پاشد

(ص ۱۱-۹)

### سرمایه داری با مبارزه انقلابی فرو می پاشد

(ص ۱۱-۹)

### سرمایه داری با مبارزه انقلابی فرو می پاشد

(ص ۲۸)